تربیت

نشریه تربیت
شماره نخست ۱
زمستان ۱۴۰۰

- نقش یادگیری مشارکتی در افزایش مهارتهای ارتباطی
- برنامه ریزی، سکوی موفقیت
- پیش فعالیADHD
- فرزندپروری مثبت
- جادوی دست ها

بسم الله الرحمن الرحیم

**تعلیم باید طوری باشد که ذهن را بسازد،
مغز را فعال کند و در درجه‌ی اول،
شوق به دانستن را در دل متعلم ایجاد نماید.**

**بیانات رهبر انقلاب
در دیدار جمعی از مسئولان وزارت آموزش و پرورش
۱۳۸۸/۰۴/۲۶**

شناسنامه

نشریه تربیت | شماره نخست | زمستان ۱۴۰۰

صاحب امتیاز: انجمن علمی علوم تربیتی مرکز شهید آیت نجف آباد

مدیر مسئول: علیرضا عرب

سردبیر: محمدحسین مؤذنی زواره

هیئت تحریریه:

سرکار خانم فائزه سلطانیان، مریم قیصری، فاطمه سادات هل اتایی، فاطمه ابن علی، فرناز مومنی، زهرا فخارزاده، آقای رضا صباحی، سید احمد عبداللهی، علی بابایی، مسعود هاشمی هومانی، نیما فرهمندیان، مهدی افشاری، نیما موسوی، علیرضا علی جانی، حسین جعفری، محمد حسین صیادی، حسین علی نژادان

گروه ویراستاری:

آقای حسین جعفری(دبیر گروه ویراستاری)، سرکار خانم فرناز مومنی، علی بابایی، سید احمد عبداللهی، مسعود هاشمی هومانی، نیما موسوی

گروه طراح و گرافیست:

آقای محمد حسین دانشمند(دبیر گروه طراحی)، محمدرضا کیوانی، محمدحسین صیادی

گروه روابط عمومی:

سرکار خانم مریم قیصری(دبیر گروه روابط عمومی)، فائزه سلطانیان، زهرا فخار زاده، آقای حسین جعفری

فهرست مطالب

- مقایسه تربیت در مدارس و دانشگاه های ایران | ۱
- فرزند پروری مثبت | ۳
- جادوی دست ها | ۵
- نقش جنسیتی معلمان در پایه اول ابتدایی | ۷
- نقد عملکرد | ۹
- آموزش اعداد انگلیسی با نقاشی | ۱۱
- بررسی اختلال بیش فعالی-نقص توجه | ۱۳
- ضریب هوشی و هوش هیجانی | ۱۵
- من یک عقده ای هستم! | ۱۷
- میزان هماهنگی سیستم تربیتی دانشگاه ها و مدارس ایران و جهان | ۱۹
- تحلیل تربیتی شعر | ۲۱
- برنامه ریزی | ۲۳
- نقش یادگیری مشارکتی در افزایش مهارتهای ارتباطی | ۲۵
- معرفی کتاب | ۲۶
- مسابقه | ۲۷

سخن مدیر مسئول

"

سوگند به «قلم» و آنچه را که با قلم می نویسند. قسم به انسان که عالی ترین و در عین حال دانی ترین مخلوق است. انسانی که روزها، سالها و قرن ها را از پس یکدیگر میگذراند تا سرنوشت را در مسیر بندگی خودش پیش ببرد و تکریم کند. دستانی بسته و زندانی خودساخته از تار و پود گنگ قابلیت ها و استعداد های بی هدف که او را در آشفته بازار اندیشمندی و روزگاری متعالی اما شکننده، آرام آرام، بر مسند نیستی می گمارد تا بازهم برای روزگار چنین نسخه پیچی کند که تا بوده همین بوده و تا هست همین است. آیا اندیشیده ایم که اندوخته ی انسان از این روزگار چه بوده ؟ پرسش های متعدد بی جواب و دغدغه های افسار گسیخته فراوان که دائما در پی توجیه آن ها است. با این دانش و فرهنگ محدود، انسان توانایی جوابگویی به سختی و مشقت زندگی را نداشته و نخواهد داشت. همه باید بدانند فرهنگ دانش و دانش افزایی همچون هوا بر انسان واجب است. هرکس زندگی را مبتنی بر اندوخته ناچیز امروزش بگذراند، قطعا به خویشتن، جامعه انسانی و اسلامی ظلم کرده است.

لیک فرهیختگانی دغدغه مند از رشته های تحصیلی دانشگاه فرهنگیان در گاهنامه علمی - تخصصی تربیت همت نموده اند که در معیت یکدیگر علم فرهنگ سازی را بدست گیرند تا علاوه بر تبادل دانش خود با سایر دانشجویان، گامی در راستای برانگیختن دیگران، اعتلای فرهنگ جامعه، تسهیل دسترسی به دانش قرین با تربیت و شناخت بزرگان ناشناخته بردارند. باشد که مجموعه ساعی نشریه در این مسیر موفق و سربلند باشند.

سلامتی و سربلندی همکاران بزرگوارم، آرزوی قلبی ماست ...

مدیر مسئول نشریه-علیرضا عرب

"

مقایسه تربیت در مدارس و دانشگاه های ایران

سید نیما موسوی

دانشجوی علوم تربیتی مرکز شهید آیت نجف آباد

به طور کلی، شیوه‌های تربیتی که در مدارس و دانشگاه های ایران استفاده می‌شوند، دارای شباهت‌ها و تفاوت‌های معناداری هستند. هر یک از این شیوه‌های تربیتی مورد استفاده در مدارس و دانشگاه ها، بر اساس سن، جنس و... دانش‌آموزان و دانشجویان سازمان یافته‌اند و بر اهداف عمومی و خاص خود تمرکز دارند. در ادامه مطلب، به بررسی و مقایسه تربیت در مدارس و دانشگاه های ایران می‌پردازیم.

سطوح تربیتی در مدارس و دانشگاه‌ها با یکدیگر تفاوت دارند. به عنوان مثال، برای آموزش برخی از مسائل، نیاز است که این مسائل به صورت ساده‌تر و در سطح پایین تری در اختیار دانش آموزان در مدارس قرار گیرد؛ زیرا میزان ادراک دانش آموزان نسبت به سن آنها، ممکن است به اندازه‌ای نباشد که بتوانند این دسته از مسائل را به طور کامل درک کنند. به عنوان مثال، مسائل جنسی را نمی‌توان در سطوح کامل در اختیار دانش آموزان مدرسه قرار داد. این در حالی است که دانشجویان، به اندازه ای از ادراک رسیده‌اند که می توانند سطوح کامل تربیت جنسی را فرا بگیرند.

انسان در هر مرحله از زندگی خود، با مشکلات و موانعی مواجه می شود که نیاز دارد در هنگام مواجهه با آنها، از آموزش‌ها و تربیت‌های لازم برخوردار باشد. برای مثال، بحث بلوغ در دوران مدرسه مطرح است و نیاز است که تربیت‌هایی در خصوص مسائل بلوغ در مدارس به دانش آموزان ارائه شود.

اما مسئله بلوغ، دیگر در دوران دانشگاه مطرح نیست و آموزش‌هایی که در خصوص بلوغ وجود دارند، در تربیت دانشجویان کاربردی ندارد.

نقش جنسیت در تعریف روش‌های تربیتی مدارس، به طور قابل توجهی بیشتر از تعریف تربیت جنسی در دانشگاه ها است. به طور کلی، مدارس تاثیر بسزایی در تعیین نقش جنسی کودکان دارند.

تربیت کردن کودکان در مدارس ایران، از نظم بیشتری نسبت به دانشگاه های ایران برخوردار است. برای مثال، یکی از فنون تربیتی در مدارس، شروع شدن کلاس‌ها از صبح است که باعث می‌شود دانش آموزان سحرخیز باشند. این درحالی است که دانشگاه‌های ایران برنامه های زمانی متنوع‌تری دارند و تاکیدی بر تربیت غیرمستقیم دانشجویان جهت سحرخیز بودن ندارند.

به طور کلی، بسیاری از موارد تربیتی را هم در مدارس و هم در دانشگاه‌های ایران می‌توان یافت. مسئله این است که دانش آموزان با گذر از مراحل زندگی، وارد دوره دانشجویی می‌شوند و نیازهای آنها تغییر پیدا می کند. به این دلیل است که شیوه تربیتی در مدارس و دانشگاه‌ها متفاوت و قابل مقایسه است.

منابع:

خبرگزاری ایسنا (isna.ir)

civilica.com

مدرسه مطلوب در اسناد بالادستی

فائزه سلطانیان

دانشجوی علوم تربیتی، مرکز امام خمینی «ره» کاشان

سند تحول بنیادین آموزش و پرورش بر این مفهوم تأکید دارد که با مدارس سنتی نمی توان دانش‌آموزان را برای زندگی فردا آماده کرد و تأکید آن روی مدارس صالح و مطلوبی است که دانش آموزانی دانا، توانا و متعهد در تمام عرصه ها بار آورد. از جمله ویژگی های مدارس مطلوب از نظر سند تحول بنیادین می توان به ساده سازی، پالایش، متناسب سازی، تعادل، انعطاف پذیری، مشارکت و تعاون و... نام برد.

مدارس ایران هنوز به مدارس مطلوب و صالح تبدیل نشده اند، لذا برای این تغییر لازم است از نظر پرورشی، فیزیکی، ارتباطات انسانی، تدریس و یادگیری و... تغییراتی را بپذیرند.

مهمترین راهکارهای لازم برای ارتقای مدارس جمهوری اسلامی ایران در رسیدن به معیارهای مدارس مطلوب چیست؟

از نظر پرورشی:

برگزاری مسابقات و المپیادهای علمی و فرهنگی در مدرسه در جهت تقویت بروز استعدادهای متفاوت دانش آموزان.

توجه جدی به درس پرورشی در مدارس.

توجه به نیازها و خواسته ها و مشکلات رفتاری و خاص دانش آموزان در مدرسه و ایجاد چتر حمایتی برای دانش آموزان.

از نظر فیزیکی:

توجه به فضای فیزیکی در مدرسه در همه ابعاد از جمله میز و نیمکت مناسب، رنگ کلاس ها، تخته سیاه، گچ تحریر مرغوب و... .

توجه جدی به نیازهای آموزشی و پرورشی دانش آموزان در مدرسه از قبیل کتابخانه، نمازخانه، کارگاههای علمی و رایانه، آزمایشگاه، زمین بازی مناسب، وسایل و امکانات ورزشی و... .

فعال نمودن کتابخانه مدرسه و به روز نمودن کتابهای موجود در آن، در جهت استفاده مطلوب دانش آموزان برای رفع نیازهای علمی، دینی و پژوهشی.

از نظر ارتباطات انسانی:

روابط انسانی مطلوب بین کادر آموزشی و دانش آموزان و اولیاء با هدایت و رهبری دلسوزانه مدیر با عنوان کارگردان اصلی در مدرسه.

ارتباط و تعامل دوسویه بین دانش آموزان به عنوان عنصر اصلی و محوری در تعلیم و تربیت.

اهمیت دادن به شورای دانش آموزی در مدرسه و دادن نقش ها و مسئولیت های متفاوت به ایشان در کارها از جمله ایجاد نظم در مدرسه، همکاری با معاونان مدرسه، شورای حل اختلاف در مدرسه برای حل مسائل بین دانش آموزان، امور بهداشتی و ورزشی مدرسه و... .

از نظر تدریس و یادگیری:

کیفیت بخشی به جلسات شورای معلمان با طرح مسائل علمی و کاربردی و تشکیل کارگاه های آموزشی هدایت و راهنمایی معلمان به آموزش های خلاق و استفاده از یادگیری مشارکتی توسط خود دانش آموزان استفاده از روش های تدریس بارش مغزی(فکری) برای توانمندسازی دانش آموزان در حل مسائل روزمره و زندگی.

توجه لازم به کلاس های جبرانی و ارائه ی برنامه منظم مطالعه به دانش آموزان در منزل.

(برگرفته ازمقاله ی مدرسه مطلوب در اسناد بالادستی آموزش و پرورش با تأکید بر سند تحول بنیادین، سلطانیان وهمکاران،۱۳۹۹.)

فرزندپروری مثبت

رضا صباحی

دانشجوی علوم تربیتی مرکز شهید آیت نجف آباد

قالَ رَسُولُ اللهِ – صَلَّی اللهُ عَلَیْهِ وَ آلِه – : اَحِبُّوا الصِّبْیانَ وَ ارْحَمُوهُمْ وَ اِذا وَعَدْتُمُوهُمْ فَفُوا لَهُمْ فَاِنَّهُمْ لایَرَوْنَ اِلّا اَنَّکُمْ تَرْزُقُونَهُمْ.

رسول خدا – صلی الله علیه و آله – فرمود: کودکان خود را دوست بدارید و با آنان مهربان باشید، وقتی به آن‌ها وعده‌ای می‌دهید حتماً وفا کنید زیرا کودکان، شما را رازق خود می‌پندارند.

«وسائل الشیعه، ج ۵، ص ۱۲۶»

بهبود مهارت های اجتماعی در فرزندان:

بهترین عامل پیش بینی کننده عملکرد سالم فرزندان در دوران بزرگسالی، میزان صلاحیت اجتماعی کودکان است. صلاحیت اجتماعی یعنی کودک بتواند با دیگران کنار بیاید و با آنها با مسالمت زندگی کند. صلاحیت اجتماعی و عزت نفس در افراد با یکدیگر ارتباط مستقیم دارند. این موارد شامل همانندسازی، آموزش مهارت ها و رفتارهای اجتماعی به کودکان و به کارگیری این آموزش ها در گسترش تعاملات اجتماعی مثبت با دیگران می باشد.

اختصاص فرصتی برای مکالمه با فرزندان:

انباشت احساسات در درون کودک می تواند موجب طغیان های خلقی، نوسانات یا حتی رفتارهای قلدرانه شود. کودکتان را تشویق کنید که کاملاً آزادانه درباره احساساتش با شما صحبت کنند. به فرزندتان تفهیم کنید که یک روش سالم برای بیان خشم، ترس، اندوه یا درد، صحبت کردن درباره این احساسات است. تلاش کنید کودکتان عواطف خود را به صورت کلامی ابراز نماید و خود نیز به عنوان یک الگو، درباره احساساتتان با او صحبت کنید.

تشویق در انجام امور:

پاداش و تشویق کودکان به خاطر یک رفتار خوب و مناسب بسیار مهم تر از آن است که به انتقاد از بخشی از رفتار که ممکن است ناپخته به نظر برسد، بپردازیم. به عنوان مثال اگر کودک شما اتاقش را مرتب نمود اما توده عظیمی از اسباب بازی هایش را در گوشه اتاق باقی گذاشته، به جای اینکه او را برای این غفلت مورد سرزنش قرار دهید، « بگویید چقدر خوب اتاقت را تمیز و مرتب نموده ای».

به جای تنبیه به برقراری نظم و انضباط اصرار نمایید:

نظم عبارت است از ارائه رفتاری قابل قبول که موجب یادگیری اتخاذ تصمیمات عاقلانه توسط فرد می گردد. به کودکتان برای رفتار خوب پاداش بدهید، محدودیت هایی را بسته به سن و موقعیت برای او تعیین کنید، سعی کنید به آنها القا کنید که علاقمندید آنها خود ناظم خود باشند. تنبیه فیزیکی و حتی کلامی می تواند برای کودک مضر بوده و منجر به تنزل عزت نفس کودک شود.

عدم انتقال استرس های ناشی از محل کار به خانه و خانواده:

وقتی که والدین در محیط کار با انواع استرس روبرو باشند، ممکن است این استرس به زندگی خانوادگی آنها انتقال یابد و نهایتاً آنها بیشتر مستعد بحث و مجادله با فرزندان خود بوده و کمتر قادر به تحمل رفتارهای نامناسب از طرف آنها باشند.

این مسئله ممکن است اثر سوئی بر روی عزت نفس کودک داشته باشد. ضروری است که نسبت به شناسایی عوامل استرس زا در مورد خود اقدام نموده و به نیازهای بهداشت روان خود توجه کنیم.

عدم پرورش افراطی فرزندان:

این سبک فرزندپروری شامل ثبت نام کودک در تعداد زیادی از فعالیت های فوق برنامه، آموزشی، ورزشی و مؤسسات اجتماعی است. کودکان نیاز به زمان و فضایی برای خلاقیت، فکرکردن و کشف اشیاء توسط خود دارند. فرزندپروری افراطی ممکن است به اعتماد به نفس کودک آسیب برساند، احتمالاً باعث ایجاد و گسترش افسردگی و سوء مصرف مواد شود.

پیشنهاد مطالعه و مسئولیت پذیری در کودکان و پاسخگویی آنها:

برای ایجاد و برقراری نظم و انضباط به شیوه های ذیل توجه نمایید:

انتقاد سازنده: به جای سرزنش کودک به او بگویید که چه نیازهایی ضرورت اجرا دارند. روی عمل یا رفتار متمرکز شوید.

راهنمایی مجدد: به فرزندتان کمک کنید تا هر رفتار ناخواسته را با یک رفتار قابل قبول جایگزین نماید.

مکث: وقفه یا مکث بایستی به عنوان فرصتی برای کسب مجدد تسلط و کنترل خود توسط کودک، بکار گرفته شوند، نه به عنوان فرصتی برای تربیت مجدد توسط بزرگسالان.

مثلاً برای تمرکز حواس و پیشگیری از حواس پرتی کودک، می‌توان یک فاصله زمانی کوتاه از وی خواست که روبروی دیوار بنشیند. بایستی توجه داشت که برای ثمربخشی هر چه بیشتر وقفه ها، رعایت تناسب و امساک در اجرای این وضعیت توسط بزرگسالان ضروری است.

علائم بهداشت روان در کودکان:

دوستانی دارد و با سایر کودکان کنار می آید.

می تواند تمرکز حواس داشته باشد و توجه اش را روی موضوعی جهت دهد.

الگوهای نسبتاً ثابتی در تغذیه و خواب خود دارد.

علاقه و پیشرفت منطقی (با توجه به توانایی های خود) در مدرسه نشان می دهد.

بیشتر اوقات از جنبه های مختلف زندگی خود نظیر: خانواده، دوستان، مدرسه، ظاهر فیزیکی خود و... احساس رضایت می نماید.

از شکست ها و ناسازگاری های کوچک بیش از اندازه مضطرب یا عصبانی نمی شود.

به سایرین احترام می گذارد.

با انرژی است و در طول روز این انرژی را حفظ می کند.

سرگرمی ها و تفریحات مختلف دارد.

جادوی دست ها...!

مریم قیصری

دانشجوی علوم تربیتی، مرکز امام خمینی «ره» کاشان

حال خوب من جایی میان خاطره ها گم شد؛ میان آخرین امتحان خرداد و تمام شدن مدرسه، میان لبخند و بغض آخرین روز دیدن دوستان. در حال و هوای رسیدنِ تابستان های بچگی، سفرهای تابستانی ، در شوق پرواز به سوی خانه ی رویایی مادربزرگ و دیدن مرغ و خروس های بازیگوش، استشمام بوی کاه گل های نم خورده. حال خوب من جایی مابین تخت چوبی حیاط خانه مادربزرگ که قابی از ستاره‌های بازیگوش در آسمان سقفش بود، میان صدای جیرجیرک توی باغچه که داستان‌های مادربزرگ را شیرین تر می کرد، گم شد.حال خوب من گره خورده بود به چیز هایی به ظاهر ساده! به زن بی سوادی که سوادش از فهم مدرک ها خارج بود، زنی که حرف ها و داستان هایش را در هیچ کتابی پیدا نمی کردی. همان زنی که آوای آواز دشتی‌اش، از هر خواننده ای بیشتر مجذوبت می کرد. زنی که حرف هایش بوی زندگی می داد، بوی تجربه. از قدرت صدا برایت گفته ام، صدایش خاطره ها را جان میداد و زنده می کرد، درست مثل همین لحظه که صدایش میان گوش من زنگ می زند و خاطرات را زنده می کند. حال خوب من میان صدای خش گرفته، از پیری او گم شده. میان خاطراتی که از حرف‌های اوست. آخرین تصویر من از صدای او، حال خوب زنی است که روسری سفید با نقش های رنگی، صورتش را قاب گرفته و شادی زندگی در گونه های گل انداخته اش از گرما می چینی، زنی که دست هایش هرچند چروکیده، هرچند لرزان، بازهم عطر زندگی دارد.

زنی که در جواب من برای پرسش لرزیدن دست هایش، خندیده و گفته: چوب جادوی تمام زندگیش حالا از جادو لبریز است. آن قدر لبریز که با هر حرکت می لرزد. برایم از دست ها می گوید، از این که همه چیز وابسته به علم و منطق نیست. از قلب می گوید که گاهی چنان مغز همه فن حریف را به زمین می کوبد که تا آخر عمر بلند نشود، از دستانی صحبت می کند که جادویی دارند به نام خاطرات. برایم می گوید که دست ها خاطره ها را ثبت می کنند. آن قدر خاطره ها در حافظه دست ها ثبت می شوند که روزی به خودت می آیی و می بینی این چوب جادویی، از هر زمان دیگری بیشتر می لرزد.

آن روز به حرف هایش خندیدم اما حالا که حال خوبی برایم میان روزهایم باقی نمانده، می بینم دستهایم چقدر لرزان و لبریز خاطره اند. لبریز خاطره از اولین آب و بابایی که خودم نوشتم، تا اولین آب و بابایی که یاد دادم. لبریز از شور و شوق یاد دادن حرف هایی که زندگی می سازند. دست هایم لبریز از خاطره گچ ها و تخته سیاه هاست. سرشار از خنده بچه ها، سرشار از نوازش موی کودکانی که اگرچه از خون خودم نبودند، اما همانند خون خودم دوستشان داشتم. امروز که دستانم می لرزد می فهمم چوب جادوی تمام زندگیم لبریز شده، لبریز از جادویی به نام خاطرات. جادویی که هیچگاه تمام نمی شود!

تاثیر نقش جنسیتی معلمان درپایه ی اول ابتدایی بر میزان علاقه و یادگیری دانش آموزان

زهرا فخارزاده نایینی

دانشجوی علوم تربیتی مرکز امام خمینی«ره» کاشان

دانش‌آموزان پایه اوّلی براساس الگوگرایی رفتار تمامی حرکات معلم را در عمق وجود خویش حکاکی می‌نمایند و کمالات معلم را در رفتار و کردار خود مجسم می‌سازند . حال سؤال اینجاست که نقش جنسیتی معلم پایه ی اوّل ابتدایی چه نقش تاثیرگذاری را در انجام مسئولیت خطیر او ایفا می‌نماید؟ در فرآیند شکل‌گیری شخصیت کودکان بیشترین نقش متوجه الگوهای رفتاری است، چراکه یادگیری اساس رفتار آدمی را تشکیل می‌دهد. یادگیری‌های غیرمستقیم، ضمنی و یا مشاهده‌ای پایدارترین و مؤثرترین یادگیری‌ها محسوب می‌شوند و در این میان مهم ترین نقش بر عهده‌ی الگوهای رفتاری است، به عبارت دیگر از آنجایی که تقلید و همانندسازی یکی از مهم ترین روش‌های یادگیری در کودکان است؛ بنابراین هرقدر الگوهای رفتاری در نزد کودکان از شخصیت محبوب‌تری برخوردار باشد، رفتارهای کلامی و غیرکلامی آنها بیشتر مورد توجه واقع می شود، لذا بر کسی پوشیده نیست که معلم ابتدایی به خصوص پایه ی اول الگوی مناسب و لایقی در نزد کودکان است و رفتار و گفتار و حالات و تمامی افعال معلم حکم تابلوی جهت دهنده به کودک را دارا می‌باشد و کودک مقلد محض معلم است و معلم با قدرت عملی شگفت آور خود می تواند عمق وجود کودک را تسخیر کند.

درحالی که در کشور ما در پایه ابتدایی برای آموزش کودکان از معلمان زن استفاده می‌شود باید گفت این فقط ویژه کشور ما نیست. در اکثر کشورها در این پایه زنان به مردان ترجیح داده می‌شوند. این امر به دو دلیل اتفاق می‌افتد: اولین دلیل این است که افراد در این سنین برای اولین بار از خانواده خود دور می‌شوند و چون بیشتر با مادر خود ارتباط دارند با این اقدام سعی می‌شود کودک به بهانه حضور در مدرسه و یادگیری علم دچار افت عاطفی نشود. وجود معلم زن چه برای دختران و چه پسران در مدارس تاحدودی می‌تواند خلا مادر را جبران کند و باعث ایجاد علاقه و انگیزه در افراد برای حضور درمدرسه و دوری از خانواده شود. از طرف دیگر کار کردن در مدارس ابتدایی فشارهای زیادی دارد. سروکار داشتن با کودکانی که هریک به نوعی شیطنت و مشکلات خاص خودشان را دارند، به درجه‌ای از صبر و خویشتن‌داری نیازمند است که تحقیقات روانشناسی نشان می‌دهد زنان در مقایسه با مردان به میزان بیشتری این صبر و تحمل را در برخورد با کودکان دارند. مجموعه این مسائل باعث شد که نه فقط در اینجا بلکه در همه‌جای دنیا بر اساس یک تجربه و پژوهش علمی این انتخاب صورت پذیرد. هر فردی هم به‌خوبی این واقعیت را می‌پذیرد که اکثر زنان در مقایسه با مردان از حمایتگری عاطفی بالاتر و مهربانی و خلق و خوی آرامتری برخوردارند و دلیل اینکه در مشاغلی مانند پرستاری و یا همین شغل معلمی از زنان بیشتر از مردان استفاده می‌شود نیز همین مساله است.

در سنین بالاتر با توجه به اینکه فرد وارد پروسه بلوغ می‌شود و نیازهای جدید و هویت در او شکل می‌گیرد، لازم است این تفکیک‌ها صورت پذیرد، اما در سنین کم این نوع تفکیک جنسیتی نه‌تنها مناسب نیست بلکه باعث خشکی و سردشدن فضای آموزشی و ایجاد دل‌زدگی در افراد می‌شود. نیازهای انسان‌ها در مراحل مختلف از رشد آنها متفاوت است و باید بر اساس این نیازها در مورد آنها برنامه‌ریزی‌کرد تا مشکلات شخصیتی و روانی ناشی از رشد و تربیت را به حداقل برسانیم.

نتیجه ها نشان می‌دهد میان نقش جنسیتی معلمان زن پایه اول ابتدایی و علاقه و یادگیری همه‌ی دانش‌آموزان به خصوص پسر، رابطه معنادار وجود دارد، درواقع بخاطر روحیه لطیف‌کودکان و ارتباط تنگاتنگ آنها قبل از ورود به مدرسه با مادر و الگو برداری از او، معلمان پایه اول ابتدایی باید خانمها باشند. یافته های تحقیق نشان می‌دهد که فاکتورهای مورد بحث با یکدیگر مرتبط هستند و رابطه ی معناداری میان داده‌های پژوهش وجود دارد. با توجه به نتایج به دست آمده می‌توان گفت که برای دانش‌آموزان ابتدایی به لحاظ خصوصیات و ویژگی‌های این گروه سنی، معلمان خانم مناسب‌تر و در انگیزش و یادگیری آنان تاثیر مهمی دارند.

اینگونه به نظر می‌رسد تاثیر معلمان خانم بر علاقه و یادگیری دانش‌آموزان دختر و پسر بیشتر است زیرا با توجه به این امر که دانش‌آموزان چه دختر و چه پسر قبل از ورود به مدرسه ارتباط بیشتری با مادر داشته و مدت زمان بیشتری از فعالیت های روزانه‌ی خود را کنار مادر می گذرانند در نتیجه مادر به مثابه یک الگو برای آنها می‌باشد که این نقش میتواند با وجود معلم خانم در پایه ی اول ادامه دار باشد.

نتایج و حاصل تحقیق و بررسی نیز به این نکته اشاره دارند که دانش‌آموزان پسر کلاس اولی که معلم خانم دارند حرف شنوی بیشتری دارند و میزان علاقه و یادگیری آنان به درس و مدرسه در مقایسه با دانش‌آموزانی که معلم آقا دارند، بیشتر است. همینطور نتیجه ی آزمایش های انجام شده مبنی بر این است که معلمان اول ابتدایی با توجه به روحیه ی لطیف و حساس دانش‌آموزان باید خانم باشند تا در رفتار و تعامل با دانش‌آموزان پایه ی اول که نیازمند صبر و حوصله‌ی فراوان است برخورد موثر و مناسبی داشته باشند؛ زیرا که معلمان خانم سطح صبر و حوصله‌ی بیشتری در رفتار نسبت به معلمان آقا دارند.

برگرفته از مقاله ی نقش جنسیتی معلمان درپایه ی اول ابتدایی بر میزان علاقه و یادگیری دانش آموزان، فخارزاده نایینی و همکاران، ۱۴۰۰. پذیرش شده در همایش منچسترانگلستان و سیویلیکا و isi

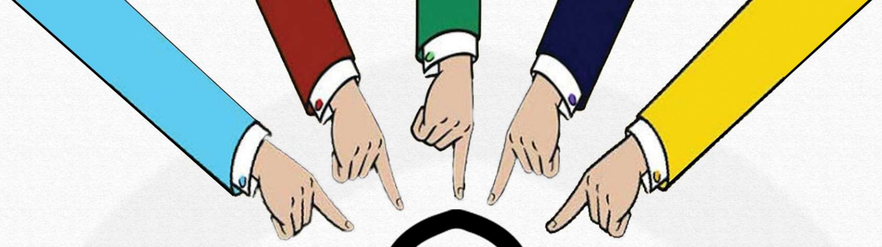

نقد عملکرد

و رفتار صحیح یا ناصحیح مدیران، کارکنان، پرسنل و اساتید دانشگاه فرهنگیان، نسبت به معلمان آینده

فاطمه ابن علی

دانشجوی رشته آموزش ادبیات فارسی مرکز امام خمینی (ره) کاشان

بسم الله الرحمن الرحیم

(مَن عَلَّمَنی حرفاً فقد صیّرنی عبداً)

«هر آنکس که آموخت حرفی به من سزد خوانَدَم، بندهٔ خویشتن.» امام علی علیه السلام

یکی از سازمان های مهم آموزش و پرورش هر جامعه، سازمانی است که در آن معلمان مورد نیاز دوره های مختلف تحصیلی تربیت می شوند؛ زیرا محصول این نوع سازمانها، معلمانی هستند که نقطهٔ آغاز هر تحول آموزشی و پرورشی اند و قادرند با دانش و مهارتی که کسب کرده اند، چهرهٔ سازمانهای آموزشی را دگرگون کنند. فضای مدارس را به فضای محبت، رشد و بالندگی روح افزا و لذت بخش مبدل کنند و یا انتقال عناصر فرهنگی به نسل نوخاسته و اعمال روش های مناسب تربیتی، موجبات رشد شخصیت کودکان و نوجوانان را فراهم سازند. در دنیای پرتلاطم امروزی، جایگاه نهاد تعلیم و تربیت به منظور دستیابی به اهداف والای انسانی، غیرقابل انکار است. نقش آفرینی و موفقیت آموزش و پرورش در این امر خطیر و پر اهمیت در گرو بهره مندی از نیروهایی مانا و متعهد است. معلمان مؤثرترین و مهمترین نیروهای این نهاد هستند. سال هاست که آماده سازی و تربیت معلمان در سراسر جهان بر عهده نظام های تربیت معلم نهاده شده است. تأمین و تربیت معلمان، مدیران، مربیان، کارکنان و پژوهشگرانی مؤمن و متعهد، معتقد به مبانی دینی و ارزش های اسلامی و انقلابی، دارای فضائل اخلاقی و ارزش های والای انسانی، کارآمد و توانمند در تراز جمهوری مأموریتی است که از سال ۱۳۹۱به دانشگاه فرهنگیان سپرده شده است.

با این وجود مدیران، کارکنان و اساتید دانشگاه های فرهنگیان نقش مهم و سرنوشت سازی را در تربیت معلمان آینده این مرز و بوم دارند و باید آن را به خوبی ایفا کنند. هرگونه رفتار و عملکرد و ارتباطات ایشان در تربیت آنها تأثیرگذار است. به عنوان مثال، اگر یکی از کارکنان و مسئولین دانشگاه رفتاری ناشایست و ناصحیح با دانشجویی یا دانشجویانی داشته باشد، چه بسا دلسردی ها و بی انگیزگی هایی در دانشجو پدید آید که شعله عشق و علاقه وی را در او به خاموشی سوق دهد و دانشجو را از مسئولیت ها و فعالیت‌های آتی که در دانشگاه انجام خواهد داد، باز دارد. در این راستا مدیرانی قابل تحسین در عرصه تربیت دانشجو معلمان می باشند که میثاق نامه ای که برای آنها بخشنامه شده است و برای هر دانشگاه از طرف سازمان ارسال شده است را به خوبی بشناسند و از آن مهم‌تر، آن را به خوبی و به درستی به قلمرو اجرا و عملیات وارد کنند و با توان هرچه بیشتر به غایت خود برسانند؛ چراکه این اهداف در تعالی پیشرفت خود، دانشگاه و تربیت دانشجو معلمان و دیگرکارکنان خواهد بود یکی‌دیگر از مهم ترین عوامل مؤثر بر الگوهای رفتاری دانشجو معلمان، رفتار و منش اساتید است. مطالعه و بررسی فعالیت های آموزشی نشان می دهد که درک مفاهیم تدریس شده بستگی به «ارتباط مطلوب» معلم با شاگرد دارد؛

به عبارت دیگر، در امر آموزش و ایجاد موقعیت‌های مطلوب یادگیری و حتی اصلاح یا تقویت عوامل موثر در یادگیری تا حد زیادی بستگی به نوع پیام معلم و چگونگی انتقال آن دارد. به همین دلیل، در جریان ارتباط های آموزشی، می توان معلم را کلید و عامل اصلی کنترل و هدایت رفتار فراگیران و نیروی موثر در برقراری ارتباط و سودمندی آن در کلاس درس دانست. جهت و شدت اثر در این فرآیند تا حدی به ماهیت عمل دانشجو بستگی دارد اما بیش از آن که وابسته به عمل فرد باشد به نوع واکنش اساتید نسبت به خود دانشجو و عمل وی بستگی دارد.

معلم محور اصلی نظام اجتماعی در کلاس درس است که با برقراری ارتباط با فراگیران می‌تواند در تحول روانی و اجتماعی آنان نقش موثری ایفا کند. در واقع انتظارات و رفتار ایشان، به شدت بر انتظارات و عملکرد تحصیلی و علمی دانشجویان تاثیر می گذارد و خود پندارهای مثبت یا منفی را در این فرایند ارتباطی کسب می کنند. از منظر اجتماعی و در قالب نظریه کنش متقابل نمادین، افراد طبق تجربه ای که از محیط خود دارند، درک و فهمی از فعالیت ها و کنش ها به دست می آورند. بر همین اساس، افراد با توجه به این معانی ذهنی خود، نسبت به پدیده های مختلف، کنش و واکنش نشان می دهند. در واقع ارتباط بین کنش ها و ادراک افراد از محیط، ارتباطی متقابل است که بر یکدیگر تاثیر می گذارند و از هم تاثیر میپذیرند؛ لذا در ارتباطات اجتماعی نیز همین اتفاق می افتد. ارتباط استاد و دانشجو یا معلم و دانش آموز هم از این مجموعه جدا نیست.

دانشجویان و اساتید، هر کدام با توجه به نمادها و طبق تفسیری که از موقعیت های مختلف دارند وارد بازیهای اجتماعی می‌شوند که یا مطابق با نقش خود و به صورت فعال دست به کنش اجتماعی می زنند و یا مطابق با انتظارات دیگران، به تعامل می‌پردازد. لذا هر رفتار و عملکرد اساتید و کارکنان با دانشجو معلمان، تاثیرات مثبت و منفی را بر روند تربیت آنها خواهد داشت و در آخر نیز به موجب آنها، معلمان با انگیزه، قدرتمند، فعال و پر انرژی برای دانش آموزانشان خواهند شد یا اینکه راه دیگری به غیر از این راه را انتخاب می کنند و دلسرد می شوند.

آموزش اعداد انگلیسی ۱ تا ۹ با تکنیک نقاشی

(ویژه آموزش دانش آموزان پایه دوم ابتدایی)

محمد حسین صیادی

دانشجوی علوم تربیتی مرکز شهید آیت نجف آباد

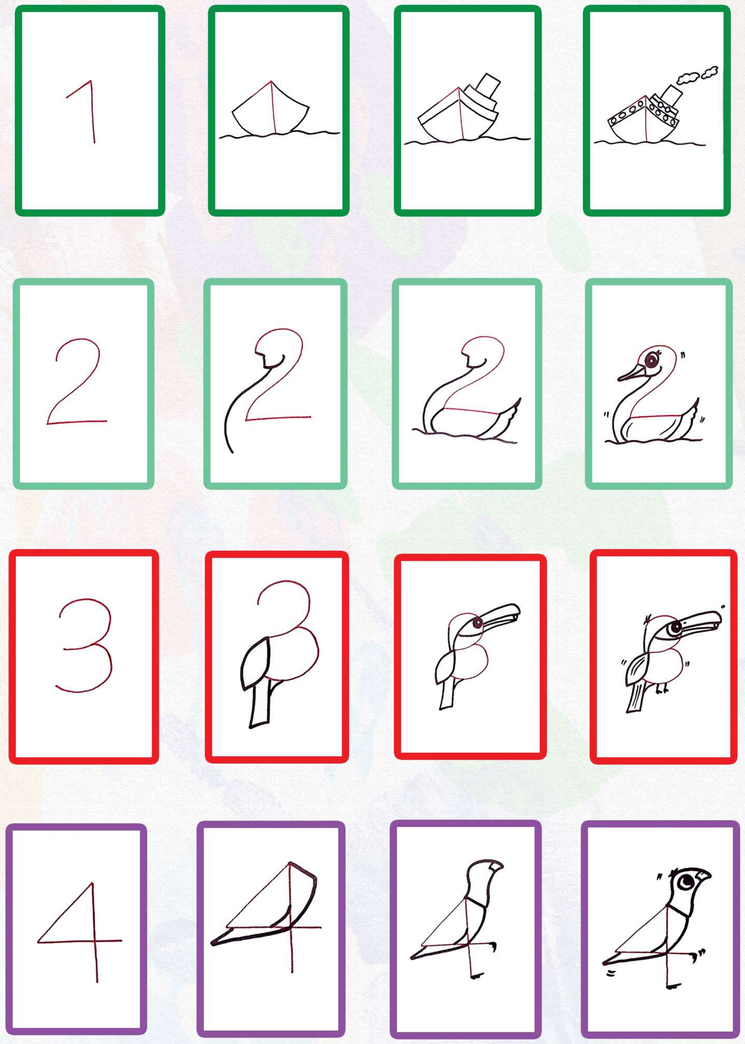

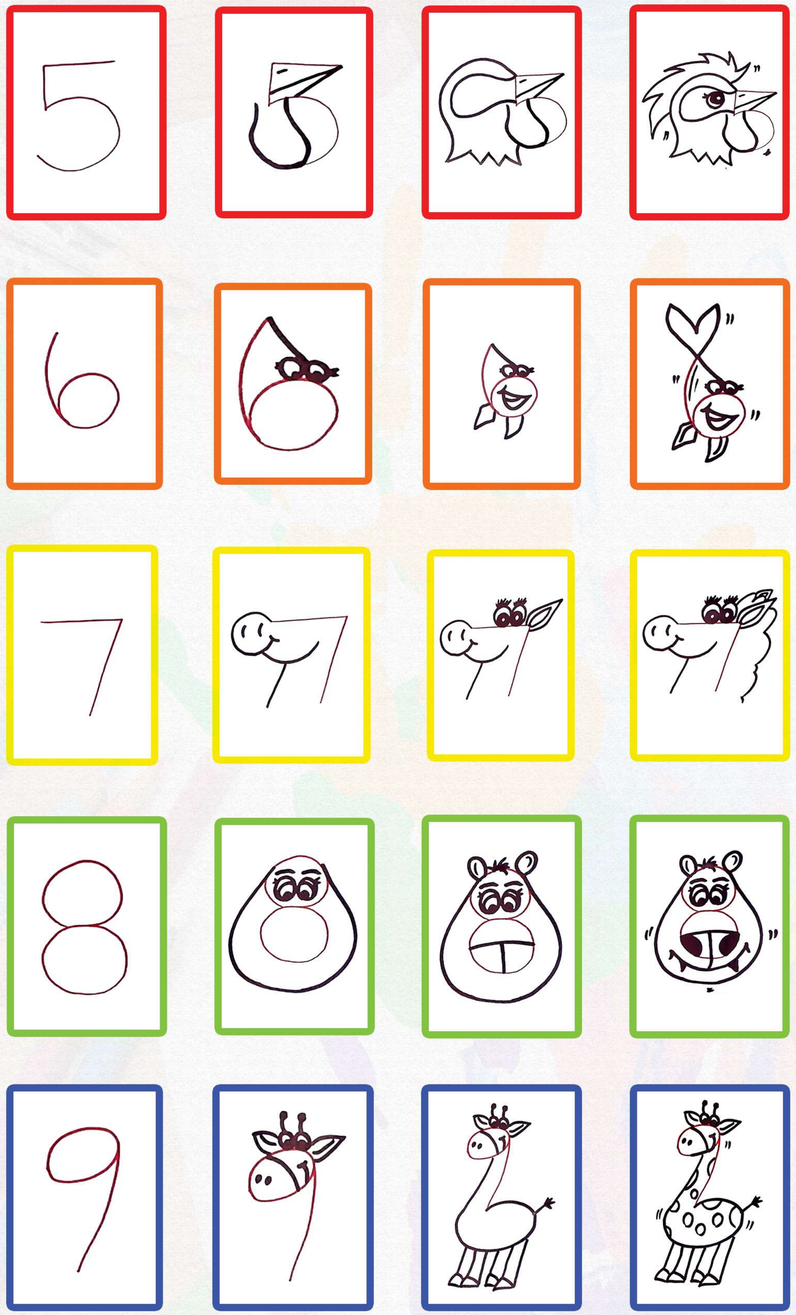

بررسی اختلال بیش فعالی،نقص توجه

حسین علی نژادان

دانشجوی علوم تربیتی مرکز شهید دکتر آیت نجف آباد

اختلال بیش فعالی یک اختلال رفتاری است که می توان گفت از رایج ترین اختلالات رفتاری در بین کودکان است، چرا که گفته می شود حدود ۵ تا ۱۰ درصد از کودکان به این اختلال مبتلا هستند. کودک مبتلا به این اختلال اغلب توانایی دقت و تمرکز بر روی یک موضوع را نداشته، یادگیری در او کند است و از فعالیت بدنی بیش از حد برخوردار است. اما آیا هر شیطنت و فعالیت کودک را باید به منزله ابتلای او به این اختلال دانست؟ خیر! اولا اینکه علائم اختلال بیش فعالی اغلب در موقعیت های مختلف به یک شکل بروز پیدا می کند، برای مثال کودک مبتلا به بیش فعالی، در مدرسه، جمع دوستان، جمع خانواده و ... رفتاری مشابه خواهد داشت. علاوه بر این بیش فعالی می تواند به طور کلی ۱۸ علائم داشته باشد که در صورتیکه کودکی ۶ مورد از این علائم را داشته باشد می توان بیان داشت که احتمالا او مبتلا به این اختلال است، افزون بر این ها علائم بیش فعالی باید حداقل ۶ ماه پایدار باشد و حتما قبل از ۱۲ سالگی بروز پیدا کند. لازم بذکر است که حتی اگر تمامی این علائم را دیدیم نمی توانیم بیان کنیم که کودک مبتلا به اختلال بیش فعالی است، این موضوع حتما باید توسط یک پزشک متخصص تائید شود. لذا از برچسب زدن به هر کودک پرتحرکی بپرهیزید، اما با دیدن علائم مذکور، برای ارزیابی کودک، به یک روانشناس یا روانپزشک مراجعه کنید.

بیش فعالی در بین پسران بیش از دختران شایع است. پیش تر بیان می شد که علائم این اختلال به مرور زمان کاهش پیدا می کند، اما دانشمندان امروزه به این نتیجه رسیده اند که اینطور نیست و این اختلال می تواند به طور مادام العمر همراه کودک باشد. اختلال بیش فعالی نقص توجه می تواند عوارض کوتاه و بلند مدت فراوانی را به دنبال داشته باشد که برخی از اینها عبارتند از؛ افت تحصیلی، ناتوانی های یادگیری، افزایش رفتار های ضد اجتماعی، کاهش انگیزه، اضطراب، افزایش تخلفات راهنمایی و رانندگی، احتمال بیشتر روی آوردن به جرائم، افزایش احتمال اعتیاد به مواد مخدر، افزایش احتمال ابتلا به سایر اختلالات همچون اختلال سلوک و ... . بنابراین تشخیص هرچه سریعتر این اختلال می تواند به بهبود فرایند درمان کمک کند. عوامل موثر بر بروز اختلال بیش فعالی-نقص توجه را می توان به طور کلی به دو دسته تقسیم کرد. عوامل وراثتی و عوامل محیطی.

ADHD : Attention Deficit HyperActivity

بطور کلی می توان بیان نمود که اصلی ترین علت ابتلا به اختلال بیش فعالی وراثت و عوامل ژنتیکی است، اما این موضوع، به معنای بی تاثیری عوامل محیطی بر بروز این اختلال نیست، چرا که عوامل محیطی بسیاری نیز وجود دارد که می تواند موجبات ابتلا به این اختلال را فراهم آورد، که از جمله مهمترین آنها می توان به موارد روبرو اشاره کرد؛ عوارض دوران بارداری، نارس بودن و سایر مشکلات هنگام تولد، قرار گرفتن در معرض سرب و سایر گاز های شیمیایی، استفاده مادران باردار از تنباکو، الکل یا سایر مواد مخدر و دارو های شیمیایی، رژیم های غذایی ناسالم، کمبود برخی از ویتامین ها و ... .

راه های درمان اختلال بیش فعالی نیز به طور کلی به دو دسته تقسیم می شوند، درمان دارویی و درمان غیر دارویی. اولین گام برای درمان اختلال بیش فعالی، این است که یک پزشک متخصص اولا ابتلای کودک به اختلال را تائید کند، سپس با توجه به شرایط، شیوه مناسب درمان را انتخاب نمایند. درمان دارویی بطور کلی روشی موثر تر از سایر روش های درمانی می باشد اما گاها نیاز است که کودک همزمان از دو نوع درمان استفاده کند.

موثر ترین و در عین حال کم عوارض ترین دارو برای کاهش علائم اختلال بیش فعالی، متیل فنیدات می باشد، همچنین داروی بوپروپیون نیز تاثیر به سزایی در کاهش علائم این اختلال داشته است. از جمله موثر ترین روش های درمان غیر دارویی نیز می توان به رژیم غذایی، نوروفیدبک، آموزش روانی،برنامه ورزشی، بازی درمانی و ... اشاره نمود .

برگرفته از مقاله بررسی عوامل موثر بر بیش فعالی دانش آموزان دوره ابتدایی حسین علی نژادان،۱۴۰۰

ضریب هوشی و هوش هیجانی و انواع خالص آن‌ها

حسین جعفری محمدآبادی

دانشجوی علوم تربیتی پردیس شهید باهنر اصفهان

ضریب هوشی و هوش هیجانی نه دو استعداد و شایستگی متضاد، بلکه دو استعداد جداگانه‌اند. همه‌ی ما ترکیبی از عقل و هوش هیجانی را در اختیار داریم؛ افرادی که دارای ضریب هوشی بالا ولی هوش هیجانی پایین (یا ضریب هوشی پایین و هوش هیجانی بالا) باشند، نادر و کمیاب‌اند. درواقع، پیوند و ارتباط متقابل ظریفی بین ضریب هوشی و بعضی از جنبه‌های هوش هیجانی وجود دارد که بسیار ناچیز است و خدشه‌ای در وجود آن‌ها به‌عنوان دو مقوله‌ی مستقل و جدا از هم ایجاد نمی کند.

برخلاف آزمون‌های شناخته‌شده‌ای که برای اندازه‌گیری ضریب هوشی وجود دارد، تاکنون هیچ آزمون کاربردی مشخصی برای اندازه‌گیری نمره‌ی هوش هیجانی تهیه و ابداع نشده و ممکن است هیچ‌وقت نیز طراحی و ابداع نشود. اگرچه پژوهش‌های بسیاری در خصوص تک‌تک جنبه‌های هوش هیجانی انجام شده است و بعضی از آن‌ها، نظیر همدلی، با نمونه‌گیری از توانایی عملی فرد مورد نظر به بهترین نحو آزمون می‌شود. برای مثال، از او خواسته می‌شود تا احساسات فردی دیگر را با نگاه‌کردن به نوار ویدئویی حرکات صورت او بیان کند.

تفاوت‌های به‌دست آمده بین این دو گونه نکات مهمی را بیان می‌کند: انسان با ضریب هوشی خالص بالا (بدون درنظرگرفتن هوش هیجانی) کاریکاتوری از انسان عقلانی و هوشمندی است، که در عین استاد بودن در حوزه‌ی ذهن و اعمال ذهنی و عقلی، در حوزه‌ی روابط شخصی ناتوان و عاجز است. مشخصات زن و مرد این نوع کمی با هم تفاوت دارد. جای تعجب نیست که مردِ با ضریب هوشی بالا علایق و توانایی‌های هوشی و عقلی گسترده ای دارد. او بلندپرواز و مولد، قابل پیش‌بینی و سرسخت است، و علایق شخصی‌اش مشکلی برای او ایجاد نمی‌کند. تا حدودی منتقد، فروتن، مشکل‌پسند و خوددار است. کم‌حرف، بی‌حالت و منزوی، و از نظر احساسی و هیجانی نرم و ملایم و سردمزاج است. در مقابل، مردانی که هوش هیجانی بالایی دارند، از لحاظ اجتماعی متعادل، برون‌گرا و بشاش‌اند و با ترس یا نگرانی و اندیشه های اضطراب‌آور میانه‌ای ندارند. ظرفیت فوق‌العاده‌ای برای قبول تعهد و مسئولیت در قبال افراد، موضوعات مختلف، بینش و رفتار اخلاقی دارند، در روابط خود با دیگران رفتاری همدلانه و مراقبت‌کننده دارند و ملاحظه‌ی دیگران را می‌کنند. زندگی هیجانیشان پربار و مناسب است و با خودشان، دیگران و محیط اجتماعی و محل زندگی خود راحت هستند.

زنانِ با ضریب هوشی بالا اعتمادبه‌نفس عقلانی دارند و در بیان افکار خود سلیس و روان‌اند. برای موضوعات عقلانی ارزش قائل اند، و مجموعه‌ی وسیعی علایق عقلانی و زیبایی‌شناسانه دارند. همچنین اغلب خویشتن‌نگر و در معرض اضطراب و افکار ناراحت‌کننده‌اند. احساس تقصیر می‌کنند، از بیان خشم و عصبانیت آشکار خود اکراه دارند. (گویی آن را به‌صورت غیرمستقیم ابراز می‌کنند)

زنانِ با هوش عاطفی بالا، برعکس، به طور معمولاً مثبت‌اند و احساسات خود را ابراز می‌کنند، نسبت به خود احساس مثبتی دارند و زندگی برایشان بامعناست. همانند مردانِ با هوش عاطفی بالا، آن‌ها هم برون‌گرا و جمع‌گرا هستند و احساسات خود را به‌نحو مناسبی ابراز می‌دارند (به‌جای این‌که با طغیان و برافروختگی ابراز کنند و بعد پشیمان شوند)؛ همچنین به‌خوبی با تنش و فشار عصبی سازگار می‌شوند. تعادل اجتماعی به ایشان امکان می‌دهد تا به‌آسانی با افراد جدید ارتباط برقرار کنند. برخلاف زنانِ با ضریب هوشی بالا، آن‌ها به‌ندرت احساس اضطراب یا تقصیر می‌کنند یا در افکار و اندیشه‌های ناراحت‌کننده فرو می‌روند..

بهتر است یادآوری کنیم که طرح‌های ارائه‌شده، نمونه‌های جدی و افراطی هستند، زیرا هریک از ما ترکیب و نسبت متفاوتی از هوش هیجانی و ضریب هوشی را داریم؛ ولی این طرح‌های افراطی دیدگاه سازنده‌ای از آنچه این جنبه به‌طور جداگانه به توانایی‌های فرد می‌افزایند، در اختیار ما قرار می‌دهند. این تصاویر جداگانه به نسبت میزان هوش ادراکی و هیجانی هرکس در هم ادغام می‌شوند. با وجود این، از میان این دو هوش، هوش هیجانی معیارهای کیفی بیشتری در جهت انسان‌ترکردنمان به ما می‌افزاید.

هوش هیجانی

من یک عقده‌ای هستم!

فرناز مومنی
دانشجوی آموزش استثنایی ، مرکز امام خمینی «ره» کاشان

بـاد به سـرعت گرد و غبار تـوی هوا رو به صورتم می‌کوبید و چشـمام با ولع اون‌ها رو به سمت خودشون می‌کشیدن؛ سوزش چشم‌هام باعث شد اضافه‌ی مقنعه‌ام رو روی صورتم بگیرم تا کمی از حمله این باد در امان باشم.

بالاخـره رسیدم،گفتـه بـود پـلاک هـفـت! زنگ در رو زدم که به سـرعت باز شـد، وارد پارکینگ شـدم و نفس راحتی کشـیدم؛ بوی خاک مشـامم رو پر کرده بود و چشـم‌هام از شـدت فشار دستام برفکی می‌دید، احسـاس می‌کردم که از حموم خاک برگشتم، هوهوی بادی که یکهویی شـروع شـده بود هنوز هم به گوشم می‌رسید.

بـرای اولین بـار صدای مادرش رو شـنیدم، هم آوا بـا صدای خودش بـود. کمی نزدیک‌تر رفتم و اون هم چند پله‌ای پایین‌تر اومده بـود. زودتـر از اون سـلام کـردم و گفتـم: من یکم زودتر اومدم، آخه قراره با هـم چند تا کتاب سـنگین ببریم تا مدرسه.

با خنده‌ای که روی لب داشـت مسیر ورودی رو نشونم داد و گفـت: بیا داخـل منتظرش باش. آخه هنوز آماده نشده، شاید کمی طول بکشه.

همزمان که تار موهای به هم ریختم رو صاف می‌کردم گفتم: نه نه مشکلی نداره، منتظرش می‌مونم تا آماده بشه.

از اون اصـرار و از من انکار تا بالاخره راضی شـدم. وارد خونشـون شدم و با اسـتقبال گرمی از خودش، پدرش و مادرش رو به رو شدم، به طوری که یادم رفت اصلا باید معذب باشم.

کتاب‌هـای بـزرگ و قدیمی که باید با هم برای کلاس تاریخ می‌بردیم رو نشـونم داد و برای آماده شـدنش به این‌ور و اون‌ور می‌دوید.

مادرش براش لقمه آماده می‌کرد چون وقت نکرده بود نهار بخوره، پدرش پیشـنهاد رسـوندنمون رو می‌داد و خواهـر کوچک‌تـرش تـو هر قدم بـه دنبالش بود و کمکـش می‌کرد، قربـون صدقه‌ی هم می‌رفتند و هر لحظـه از لحـن حرف زدنشـون محبـت و صمیمیت می‌چکید! شاید تعداد حروف حـرف زدن همـین چند دقیقشـون که مـن اینجا بـودم مـعادل بود با حـروف گفت‌وگو های یکسال ما!

مـن هیچ تصوری از این حجم از گفت‌وگوهای محبت آمیز رو نداشـتم، من انگار کسـی بودم که از خانواده‌ای در قطب جنوب همون قدر سرد و بی روح به گرم ترین مکان این دنیا مهاجرت کرده بودم و این اختلاف دما در من ترک‌هایی از عقده ایجاد می‌کرد.

انـگار وارد یک حباب پر از محبت شـده بودم که هر لحظه به ترکیدنش نزدیک می‌شدم، اون هم فقط برای من! من آدم حسـودی نبودم، شـاید هم تـا قبل امروز! شـاید هم از دید بقیه مـن فقط کمی عقده‌ای بودم. عقـده محبت، صمیمیت، حرف زدن، همراه هم بودن...

فکـر اون روز مثل برق و باد از سـرم گذشـت، مـن اون حـال و هوا رو هنوز هـم از بَر بودم؛ اما یاد نگرفته بودم! حتی حالا که خودم یک مادر بودم باز هم یاد نگرفته بودم.

هنـوز هم بـه روش خانواده‌ی خودم رفتار می‌کردم و این بود قدرت تأثیر یک خانواده روی فرزندشون و حتی نسل‌های بعدش؛ جوری به خوردم رفته بود که ناتوان از مبارزه باهاش بودم و این چرخه ادامه داشـت از خانوادم به من، از من به فرزندم و الی آخـر. کـاش کسـی پیدا می‌شـد و این چرخه رو می‌شکسـت. تاثیر خانواده روی زندگی فرزندان غیرقابل انکاره پس برای فرزندانتون یک فرد ایده آل باشید، تا الگوی خوبی سر راهشون باشه.

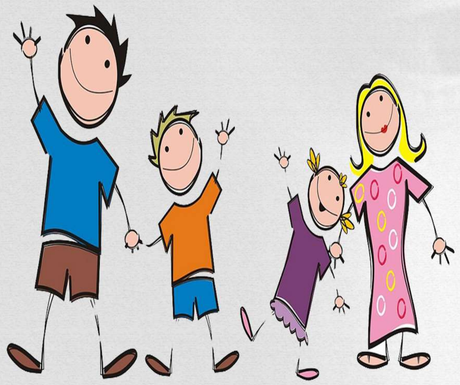

همون‌طـور کـه میگن سـیب خیلی دورتر از درخت نمی‌اوفتـه! به این معنی که تمام حـرکات و رفتارهای ارادی و غیـرارادی خانـواده تأثیر مسـتقیم بر رفتار های آینده‌ی یک فرد داره.

بـا فرزندان خودتـون ارتباط برقـرار کنید، فرصت ابراز علاقه در اختیارشـون بذارید، شنونده‌ی خوبی برای حرف‌هاشـون باشـید، درباره اتّفاقات روزمره با اون هـا به گفت‌وگو بپردازید، در جمع‌های خانوادگی به اون ها فرصت ابراز نظر بدید، درباره مسـائل مختلف پذیرای نظراتشـون باشـید، سـعی کنید همیشه به جای اون هـا تصمیـم نگیرید بلکه برای اون‌هـا نقش راهنما رو داشته باشید.

میزان هماهنگی سیستم تربیتی دانشگاه ها و مدارس ایران با جهان

مهدی افشاری

دانشجوی علوم تربیتی مرکز شهید دکتر آیت نجف آباد

در چند دهه اخیر نگرش جهانیان در مورد فرآیندهای یاددهی یادگیری به طور کامل تغییر کرده است، در سالهای نه چندان دور بسیاری اعتقاد داشتند که ذهن دانش آموزان همانند ظرف های خالی است که در انتظار پرشدن با دانش و معلومات است. این نگاه که حالا می توان آن را سنتی نامید، سال هاست در کشورهای پیشرفته دنیا کنار گذاشته شده است. با این حال نگاهی به سیستم آموزشی در ایران نشان می دهد که این سیستم هنوز بر پایه این نوع نگاه گردانده میشود. به عنوان مثال اصلی ترین تفاوت کتاب های درسی و شیوه آموزشی در ایران با دیگر کشورها به خصوص کشورهای پیشرفته و موفق در زمینه نظام آموزشی در یک چیز خلاصه می شود؛ در خود کتاب. سیستم آموزشی در ایران بسیار کتاب محور است که بر اساس همان نگرش پرکردن ذهن دانش آموز با معلومات نهاده شده است. اما در دیگر کشورها مثل آمریکا، سوئیس، ژاپن، انگلستان و دیگر جاها اینگونه نیست.

در شیوه های تدریس مورد استفاده توسط معلمان علوم در ایران، روش پرسش و پاسخ و نیز سخنرانی متداولترین روش تدریس بوده و گردش علمی، کاوشگری، حل مسئله و آموزش کارگاهی، کمترین روش های مورد استفاده در آموزش علوم محسوب می شوند. این در حالی است که در کشورهای مورد مطالعه کاملاً برعکس بوده و از روش های اکتشافی و حل مسئله در قالب رویکرد ساختگرایی به میزان زیادی استفاده می شود. نتیجه آنکه میتوان این گونه گفت: دانش آموز ایرانی با شیوه آموزشی کتاب محور در مدرسه روحیه ذهنی، درونگرا و فردی به خود می‌گیرد اما در کشورهای مثال آورده شده، تلاش می کنند برای جامعه دانش آموزانی با روحیاتی تجربی، برونگرا و اجتماع محور بسازند. مهم ترین گام برای رسیدن به یک سطح سواد علمی مناسب در هر کشوری، تدوین استانداردهایی برای آموزش علوم است تا با اجرای این استانداردها نوعی همسان سازی در مدارس مختلف و نیز ارتقای سطح علمی افراد جامعه صورت گیرد.

نظام آموزش و پرورش وظیفه دارد برنامه های آموزشی و درسی علوم را به نحوی سازماندهی کند که همه توانایی های شناختی و شخصیتی دانش آموزان رشد کرده و با بهره گیری از مزایای علوم و فناوری توانمندی های لازم را برای رویارویی با تحولات جدید کسب کنند. اما شواهد موجود نشان می دهد که اغلب دانش آموزان در ایران فاقد این ویژگی هستند و به عبارت دیگر برنامه های آموزشی علوم نتوانسته است روحیه علمی، کاوشگری، آفرینندگی و خلاقیت را در دانش آموزان پرورش دهد.

تحلیل تربیتی شعر

فاطمه سادات هل اتایی

دانشجوی رشته علوم تربیتی، مرکز امام خمینی «ره» کاشان

در تربیت اخلاقی، شناخت خیر از شر و انتخاب اصول صحیح تربیت حائز اهمیت است وکار مربی، کمک کردن به متربی در شناخت تدریجی این موازین است. سعدی به عنوان یک شاعر بزرگ به پرورش روحی و تربیت انسان اهمیت بسیار داده است. در ادامه به بررسی دقیق‌تری در مورد تربیت میپردازیم:

عوامل موثر بر تربیت:

محیط: از جمله عواملی است که تاثیر آن بر فرد انکارناپذیر است، سعدی با تشبیه های گوناگون به تاثیر محیط بر رفتار فرد اشاره کرده و در شعر زیر، آن را به باغچه ای تشبیه میکند که از گِل، گُلی خوشبو می سازد:

گِلی خوش بوی در حمام روزی
رسید از دست محبوبی به دستم
بدو گفتم که مشکی یا عبیری
که از بوی دلاویز تو مستم
بگفتا من گِلی ناچیز بودم
ولیکن مدتی با گُل نشستم
کمال همنشین در من اثرکرد
وگرنه من همان خاکم که هستم

اگر محیط سالم یا ناسالم باشد، به هرحال بر هویت افراد تاثیر می گذارد و یکی از دلایل تاکید اسلام بر امر به معروف و نهی از منکر، همان تاثیر محیط است.

مطابقت موضوع با قرآن: و زمین پاک است که گیاهش به اذن پروردگارش بیرون می آید و زمینی که ناپاک است، جز گیاهی اندک و بی سود از آن بیرون نمی آید. «سوره اعراف، آیه ۵۸» انسان با توجه به فطرت خود نیاز به دوست و همنشین دارد و تاثیر این همنشین بر هویت و زندگانی فرد بسیار زیاد است. چنانچه انسان پاک با افراد ناشایست همراه گردد، ممکن است تحت تاثیر رفتارآنان قرارگیرد. این مهم از نظر بزرگان دین و شعرا دور نمانده است:

مکن همنشینی به هر بدسرشت
که دزدد ازو طبع تو خوی زشت (جامی)

آنان که با بدان همنشینی می‌کنند، ازگزندهای بلا وگرفتاری در امان نیستند. (امام علی علیه السلام)

وراثت: عنصر دیگری در تربیت است که توجه بدان ضروری است، منظور از وراثت، استعدادهای خدادادی و فطری انسان و ذات اوست.

چون بود اصل گوهری قابل تربیت در او اثر باشد
هیچ صیقل نکو نداند کرد آهنی را که بدگهر باشد

در این دیدگاه، اگر تربیت اولیه انسانی نامناسب باشد و زمینه اصلاح نداشته باشد، تربیت در او تغییری ایجاد نمی‌کند؛ زیرا در مقابل تعلیم و تربیت جدید مقاومت و حاضر به اصلاح رفتار خود نیست (آهنی که اصل خوبی ندارد، با هیچ تراش کردن و صیقل‌دادنی زیبا نخواهد شد).

تربیت نااهل را چون گردکان بر گنبد است (تربیت کردن نااهل وقتی او تمایلی ندارد در راه درست حرکت کند، مثل انتظار ثابت‌ماندن گردو برگنبد، بیهوده است)

لازمه اثرپذیری از محیط مناسب، زمینه ذهنی و عینی قبلی است که سعدی با زیبایی اسلوب معادله، آن را بیان می‌کند:

با سیه دل چه سود گفتن وعظ
نرود میخ آهنین در سنگ

در امر تعلیم و تربیت باید به استعداد ذاتی افراد توجه کرد و نباید بر اساس یک قالب یکسان، تربیت نمود؛ زیرا تعلیم و تربیت نسبی و توجه به تفاوت‌های انسانی ضروری است. در مسائل آموزش و پرورش باید حدود تاثیرپذیری و ظرفیت متربی مورد توجه باشد.

بهترین زمان تعلیم و تربیت دوران کودکی است.

چوب تر را چنان که خواهی پیچ
نشود خشک جز به آتش راست

(کودکی دوران بسیار مهمی در تربیت است و تعلیم‌دادن در این دوره، همچنان حکاکی برسنگ، ماندگار است واگر انسان در این زمان تربیت صحیحی نداشته باشد، در بزرگسالی به چوب خشک ناراستی می‌ماند که اصلاح آن به آسانی چوب تر نخواهد بود)

چگونگی تربیت:

شیوه تربیت کودک (تا۱۴سالگی) بر اساس کلام نبوی:

«الوَلَدُ سَید سَبعَ سِنین»: در هفت سال اول، کودک آقا و سرور است و باید آزادنه بازی کند، احساسات صحیح او رشد کند و همچنین بدون توقع اطاعت از او، با رفتار و گفتار صحیح از حس تقلید او بهره برد و او را پرورش داد.

«وَعَبد سَبعَ سِنینَ»: درهفت سال بعد، مطیع و فرمانبردار است. باید در تأدیب او کوشید و همچنین او را به ارزش‌ها و دوری از زشتی‌ها فرا خواند.

شیوه بیان در نگاه سعدی:

مطالب در تعلیم و تربیت باید متناسب با شرایط، گاهی با نرمی و گاه با تندی بیان شود. سعدی نوگرایی در بیان مطالب را یکی از شروط اثرگذاری آن می‌داند و همچنین از خستگی شنونده هم جلوگیری به عمل می‌آورد.

سخن گرچه دلبند و شیرین
سزاوار تحسین و تصدیق بود
چو یک بار گفتی مگو باز پس
که حلوا چو یک بار خوردند بس

سعدی معتقد به تاثیر وراثت و محیط در تربیت است، البته نه به صورت مطلق و برای هر یک حد و مرزی قائل است. همچنین در دیدگاه وی، تا زمینه‌های روحی در افراد فراهم نشود، تعلیم و تربیت عملاً محقق نخواهد شد.

برنامه ریزی

مسعودهاشمی

دانشجوی علوم تربیتی مرکز شهید دکتر آیت نجف آباد

برنامه ریزی سکوی موفقیت

موفقیت دانش آموزان در امور درسی و تحصیلی به عوامل مختلفی بستگی دارد که برنامه ریزی از مهم ترین عوامل به شمار می‌آید. از جهت برنامه ریزی می توان دانش آموزان را به دوگروه تقسیم نمود:

دسته ی نخست دانش آموزانی هستند که از نخستین روزهای شروع سال به فکر برنامه ریزی مدون بر می آیند و دسته ی دوم که همه ی برنامه ها و کارها را به شب امتحان واگذار می کنند. دانش‌آموزانی که دارای برنامه هستند روز به روز به درس و تحصیل علاقمند می شوند و دانش‌آموزان بی برنامه خیلی زود از مدرسه و درس خسته و دلزده می شوند و زمزمه رها کردن درس را شروع می کنند. برنامه ریزی باعث می شود که دانش آموز از مطالعه کتاب درسی لذت ببرد ولی بی برنامگی باعث اضطراب و نگرانی می شود که این اضطراب و نگرانی در شب و روز امتحان بیش از پیش خود را نمایان می سازد. این اضطراب و نگرانی از عوامل مهم عدم نتیجه گیری است. ممکن است با الهام از سخنان بزرگان درباره موفقیت، در نوع نگرش شما تفاوت بزرگی ایجاد شود و نتیجه مورد نظرتان را کسب کنید.

برنامه ریزی انرژی شما را به طور هوشمندانه در مسیر موفقیت به کار می گیرد و به شما کمک می کند که در کنار مدیریت زمان محدود خود، کارهای فراوانی که به شما محول می شود را به درستی انجام دهید و با برنامه ریزی اصولی می توانید بهره وری خود را تا حد زیادی افزایش دهید.

* متخصصین از زوایای متعدد برای برنامه‌ریزی تعاریف متعددی ارائه کرده‌اند که برخی از آن‌ها از این قرار است:

۱. تعیین هدف، یافتن و ساختن راه وصول به آن
۲. تصمیم‌گیری در مورد اینکه چه کارهایی باید انجام گیرد.
۳. تجسم و طراحی وضعیت مطلوب در آینده و یافتن و ساختن راه‌ها و وسایلی که رسیدن به آن را فراهم کند.
۴. فرایند تفکر قبل از عمل

یک راه حل

اگر می‌خواهید برنامه ریزی شما جدی باشد و از یک هدف گذاری ساده فراتر رود یک برگه کاغذ بردارید یا یک فایل دیجیتال باز کنید و در آن بنویسید: گزارش وضعیت موجود.

هر چیزی که قرار است در آینده در برنامه‌تان لحاظ کنید، باید در گزارش وضعیت موجود هم مطرح شود.

اگر نیاز به اطلاعات و اماری بود که الان در اختیار ندارید، همین‌جا برنامه ریزی را متوقف کنید و ابتدا برای گردآوری آن وقت بگذارید تا در نهایت یک برنامه جامع در اختیار خود داشته باشید.

نکته : فراموش نکنیم که تا وضعیت موجود را به درستی نشناسیم و تعریف نکنیم، نمی‌توانیم برنامه ریزی انجام دهیم.

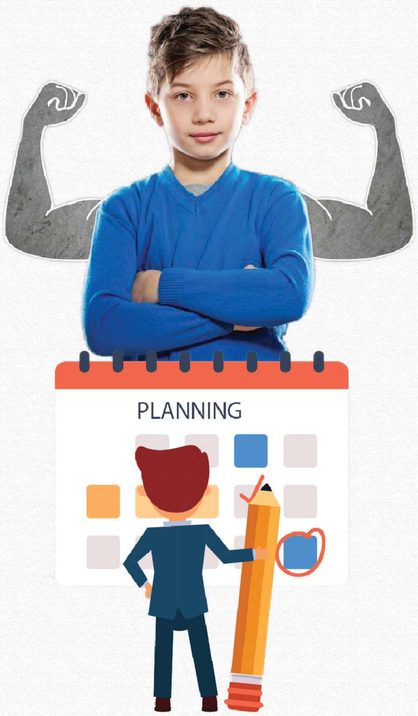

نقش یادگیری مشارکتی در افزایش مهارتهای ارتباطی

نیما فرهمندیان

دانشجوی علوم تربیتی مرکز شهید دکتر آیت نجف آباد

نظام آموزشی هر کشور به عنوان یک نظام پویا و هدفمند، در تولید و رشد علمی نقش بسزا و سازنده‌ای را ایفا می‌کند و در صدد افزایش تولید دانش می‌باشد. در عصر دانش و نوآوری که منبع اصلی رقابت اقتصاد جهانی است نظام آموزشی هر کشور در تلاش است تا دانش تولید شده را در جهت افزایش نوآوری بر عهده گیریم. از آنجا که دانش‌آموزان منبع اصلی تولید دانش هستند و اصلی‌ترین دارایی‌ها به شمار می‌آیند، می‌بایست به شیوه مناسب بر دانش آنها مدیریت شود و تلاش کرد دارایی های نهفته در ذهن آن‌ها کشف شود تا این گنج به دارایی‌های با ارزشی تبدیل گردد. برای کسب دانش صرفاً آموزش و حضور فیزیکی در مکان‌های آموزشی مهم نیست بلکه پژوهش و تحقیق هم می‌تواند بر علم و دانش بیافزاید. پژوهش عامل مهمی در تولید دانش، دانایی و پیشرفت جامعه انسانی است و میزان پژوهش‌های انجام شده در هرجامعه شاخص توسعه ی عدم پیشرفتگی آن جامعه به حساب می‌آید.

نقش یادگیری مشارکتی در افزایش مهارت های ارتباطی/ مونیخ، آلمان/ نیما فرهمندیان

معرفی کتاب

علی بابایی

دانشجوی علوم تربیتی مرکز شهید دکتر آیت نجف آباد

هیچ گاه برای یک تغییر خوب دیر نیست! این شاید کوتاه ترین و بهترین خلاصه‌ی این کتاب برای مربی، معلم، آموزگار یا دانشجومعلمی باشد که به دنبال ایده‌ای جدید در تغییر شیوه ی تدریس می‌گردد. خب! شاید در نگاه اول و با دقت به اسم کتاب (که یادگیری معکوس است) این فکر به ذهنتان خطور کند که این یک تغییر سخت و پرریسک باشد، اما مهم ترین جمله ی مولفان در این کتاب، جواب سوال شما را می‌دهد: "هیچ راه یکتایی برای معکوس کردن کلاس وجود ندارد و در واقع نباید هم وجود داشته باشد. هرکلاس معکوس باید بر اساس سبک تدریس معلم آن و همین‌طور جمعیت منحصر بفرد دانش آموزی هر مدرسه، شخصی‌سازی و مفهومی‌سازی شود" این حرف نشان می دهد که رسالت این کتاب، در راستای راهنمایی و نشان دادن راه است و نه چیزی فراتر از این؛ پس دست شما برای استفاده از خلاقیت و ایده های خودتان در این شیوه، کاملا باز است. حالا برویم سراغ این بحث که اصلا یادگیری معکوس چگونه است؟ شاید وضعیت ویروس کرونا باعث شده تا این شیوه برای این شرایط بسیار کاربردی باشد. شیوه ای که در آن شما ابتدا ویدیوی تدریس‌تان را برای دانش آموزان ارسال میکنید، تا در خانه به جای نوشتن تکلیف، درس را بیاموزند و نوشتن تکلیف را به کلاس محول میکنید تا در عین پاسخگویی به تکالیف، از دانش آموزان رفع اشکال هم بشود.

در واقع تدریس ویدیویی این ویژگی را به دانش آموز می‌دهد که هرجایی از تدریس را که متوجه نشده، به عقب برگردد و دوباره ببیند و همین طور حل تکالیف در کلاس ها، باعث تثبیت راحت تر مطالب می‌شود. این یک شِمای کلی از این شیوه ی تدریس است که برای فهم دقیق تر و کامل تر آن، خواندن این کتاب کم حجم و پربار را به شما پیشنهاد می‌کنم. اول از همه و بیشتر از همه نیز، توجه شما را به پنج صفحه‌ی انتهایی کتاب که نتیجه گیری آن است و برای شناخت ارزش این کتاب کافیست، جلب میکنم. مولفان در این کتاب، برای هر درس، به صورت مجزا به توضیح شیوه‌های متفاوت تدریس و استفاده از زمان‌بندی کلاس برای پیشبرد یادگیری معکوس پرداخته‌اند و همچنین برای هر سوالی که در طول خواندن این کتاب به ذهن‌تان میرسد، از قبل فکر کرده و پاسخ آن را هم در ادامه مطالب آماده کرده اند. عملا شیوه‌ی نگارش کتاب به گونه ایست که انگار در یک مباحثه قرار گرفته‌اید که فرد مقابل از قبل همه‌ی سوالات شما را پیش‌بینی کرده و پاسخ دقیقش را آماده کرده و شما فقط از خواندن آن لذت می‌برید. امیدوارم حتما برای آشنایی بیشتر با این شیوه‌ی جدید تدریس که بسیار هم در دنیا شناخته شده است، مشتاق به خواندن این کتاب شده باشید.

مسابقه

- **منبع اصلی تولید دانش کدام مورد میباشد؟**

الف)نوآوری
ب) دانش آموز
ج)آموزش و پرورش
د)اقتصاد جهانی

- **شیوه یادگیری معکوس به طور خاص برای چه شرایطی جایگزین جذابتری ست؟**

الف) کلاس های با شرایط چندپایه
ب) کلاس های عادی
ج) کلاس ها در وضعیت کرونایی
د) کلاس های دوران دبیرستان

- **دانش آموزان در جهت برنامه ریزی به چند دسته تقسیم می‌شوند؟**

الف) دو گروه
ب) سه گروه
ج) چهار گروه
د) پنج گروه

- **کدام یک از عوامل زیر در بروز اختلال بیش فعالی نقش بیشتری دارد؟**

الف)عوامل محیطی
ب)ژنتیک
ج)مواد غذایی
د)برنامه ورزشی

- **مصراع مقابل (شمشیر نیک از آهن بد چون کند کسی) بر کدام یک از عوامل موثر بر تربیت در نگاه سعدی اشاره دارد؟**

الف)ناسالم بودن محیط درهویت افرادتاثیرگذاراست.
ب)تربیت نااهل بیهوده است.
ج)همنشین بد موجب گمراهی انسان است.
د)گزینه الف وب

- **چرا تاثیر معلمان خانم بر دانش آموزان بیشتر است؟**

جواب مسابقه را می توانید به آیدی StdA5@ ارسال کنید و برنده جایزه شوید.

تربیت

عالیترین مظهر عقل و تربیت صحیح، خطایابی از خویشتن است. یعنی انسان بتواند در دریای ژرف افکار و تمایلات و افعال خود فرو رود و خطاهای خود را بیابد.

شهید مرتضی مطهری

پل ارتباطی جهت ارسال انتقاد و پیشنهاد: Tarbiyatmagazine@gmail.com